

بازآفرینی معماری و بافت های قدیمی تهران در طراحی شهری

روناک نجفی^{۱*}، علی خیری^۲

۱- گروه معماری، واحد شهرقدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Ronaknajafi67@gmail.com

۲- گروه معماری، واحد شهرقدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ali.kheiri@qodsiau.ac.ir

چکیده

با تغییر شکل شهرها و روند رشد شهر در چند دهه اخیر و از بین رفتن دروازه ها و گسترش شدید شهر به سمت شمال و تمایل مردم به حرکت به آن سمت و مهاجرت اقشار مختلف از برخی مناطق تاریخی با ارزش و قدیمی به مناطق جدید، و ورود مهاجران از شهرهای دیگر و ارزش پیدا کردن زمین به عنوان سرمایه، با توجه به ساخت و سازهایی که در مناطق دیگر صورت گرفته، ارزش مناطقی از شهرها کاسته شده و نیز برخی مناطق با ورود افرادی که برای آن منطقه ارزشی قائل نیستند، کم کم در حال تبدیل شدن به قسمت های فراموش شده شهر گردیده است. نیاز به بازآفرینی معماری و نیاکانان ما در بعضی نقاط شهر به شدت حائز اهمیت است و هویت کالبدی مکان می تواند متاثر از این کار باشد. اصول بازآفرینی نیاز به حضور و مشارکت حداکثری در شهر و بافت های تاریخی است که مشارکت مردم باعث احیا شدن هسته های اولیه محلات و در نتیجه شهر می شود.

واژه های کلیدی: بازآفرینی، شهر، کالبد، بافت.

۱- مقدمه

بافت های شهری، به دلیل فرسودگی و نارسایی های کالبدی، کمبود خدمات و زیرساخت های شهری مناسب از یک سو و شرایط نامطلوب زیست محیطی و انواع مسایل اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی از سوی دیگر، به شدت نیازمند اقدامات همه جانبه در جهت احیاء توسعه و ساماندهی و به عبارت بهتر تجدید حیات شهری می باشند. از آنجایی که مسائل بافت های شهری ما در ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و کالبدی، با ویژگی های بافت های مشابه شهری در سایر کشورها

متفاوت است، لیکن نمی توانیم اقدامات آن‌ها را عیناً تکرار و راه حل های ایشان را راهنمای خود در این مهم قرار دهیم. در نتیجه راهکارها برای هر گونه اقدام در بافت ها، باید همه جانبه، بومی شده و در عین حال متنوع و بر مبنای استراتژی های روشن مدیریتی انجام شده باشند [۷].

ساختمان ها و کلیه فضاها و بافت های تاریخی، ارائه کننده هویت تاریخ و فرهنگ شهرها هستند. تحولات سریع و ناگهانی و گسترش و توسعه شهر سبب ایجاد نوعی عدم تعادل و تناسب میان بافت جدید و قدیم شهر و تضعیف و گسیختگی تدریجی ارتباط بین این دو بافت شده است. بالا رفتن سطح مطلوب زندگی متأثر از واقعیت های زندگی مدرن امروزی باعث از دست رفتن رونق بافت های تاریخی و تبدیل شدن آن‌ها به مکان هایی ناامن و نامطلوب و عاری از کیفیت های مناسب برای زندگی شهری امروزی شده است [۱۲].

دستیابی به تکنولوژی های مدرن ساختمانی اعم از مکانیکی، سازه ای و حتی تاسیساتی باعث گردیده که معماران و سازندگان معماری و شهرها بدون توجه به هویت مکانی و شهری دست به ساخت و سازهایی در شهرهای مختلف زنند که هیچ سنخیتی با اقلیم و الگوهای معماری منطقه نداشته و بار اقلیمی دو چاندانی را به شهرهای امروز وارد کند.

در این زمینه بعد از شناخت و اشرافیت کامل نسبت به الگوهای ساخته شده در منطقه تاریخی تهران و پس از آگاهی کامل از اقلیم و بوم شناسی و حتی جغرافیای منطقه، الگویی برای طراحی مسکن در شهر پیشنهاد می شود که با تمامی فاکتورهای معماری، اقلیمی و سازه ای همخوانی کاملی داشته و از طرفی باعث پایداری در شهر شود.

با توجه به این موضوع که پژوهش پیش رو از ابعاد (شهرسازی) و عملکردی (معماری) تا به امروز مورد بررسی قرار نگرفته و پیشینه پژوهشی کمی دارد در این مقاله سعی در جمع آوری و طراحی یک الگوی عملکردی در ابعاد محله و یک بعد کلان در مقیاس شهر، بر آمده ایم تا راهکاری باشد برای پایان دادن به این هرج و مرج، و اصلاح بافت شهری و باز آفرینی بافت قدیمی محله های شهری.

۲- پیشینه و تاریخچه

تهران زمانی پایتخت ایران شد که فرهنگ بشری دستخوش دگرگونی های عمده ای شده بود و ارزش های سنتی و روش های زندگی به سرعت و پی در پی دگرگون شدند. در تهران، بسیاری از تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پذیرفته شدند و به شکل مناسب و تاثیر گذاری با زندگی شهر نشینی در آمیختند اگر چه شماری از آثار هنری و معماری در این دوره، برگرفته از آثار غربی اند، ولی بر بنیادی کاملاً ایرانی آفریده شده اند و این نشان دهنده ی قدرت و هوش هنرمندان ایرانی و شهادتی است بر توانایی آن ها برای مشاهده و اصلاح الگوهای فرهنگ های خارجی که مناسب با نیازهایشان باشد. بسیاری از

این آثار، با وجود آمیختگی با نشانه‌هایی برگرفته از آثار غربی، کاملاً حکایت از هویت ایرانی آن‌ها دارند. در اواخر دوره ی قاجار و در پی آن در دوره ی پهلوی (۱۳۰۴ - ۱۳۵۷ ش / ۱۹۲۵ - ۱۹۷۸ م) تهران تغییرات زیادی به خود دیده است که تهدیدات جدی‌ای برای معماری سنتی بوده است هم‌چنین در سال‌های اخیر بسیاری از خانه‌هایی که مسلماً مورد بی توجهی قرار گرفته‌اند تا کنون ویران شده‌اند [۸].

در زمان‌های قدیم آن قسمت از دامنه ی جنوبی البرز که در شمال ری قرار داشت قصران می‌خواندند که به دو قسمت قصران داخل و قصران خارج تقسیم می‌شد. قصران داخل حدود شهرستان کرج تا دهستان شهرستانک و پهنه ی رودبار و لواسانات بود که در کوهپایه قرار داشت قصران خارج شامل طهران، ری و بخشی از شمیران بود که از دهات پیرامونش چون دولاب و طرشت کوچک‌تر بود و وسعت و جمعیتش از دهی معمولی کمتر بود. جایگاه ده طهران در نقطه‌ای بود که بعدها چاله میدان (حدود جنوب شرقی بازار کنونی) نامیده می‌شد. باغ‌های ده در شمال و در محله ی عودلاجان قرار داشت که تا حدود سرچشمه ی فعلی می‌رسید.

در زمان شاه طهماسب صفوی، ده طهران را به دستور او گرداگرد آن حصار کشیدند و ۱۱۴ برج در آغاز ایجاد کرد. این حصار دارای چهار دروازه بود: ۱- دروازه ی حضرت عبدالعظیم در نزدیکی میدان مولوی در تقاطع بازار و خیابان مولوی. ۲- دروازه ی شمیران در خیابان چراغ برق در مدخل پامنار. ۳- دروازه قزوین در انتهای بازارچه ی معیر در محل میدان شاپور. ۴- دروازه دولاب در کمرکش خیابان ری. این حصار و دروازه‌ها تا اواسط سلطنت ناصرالدین شاه پابرجا بود.

در موقع احداث حصار سه منبع آب آن موقع تهران (سرچشمه، قنات، آب پخش کن) داخل حصار قرار دارند. به این ترتیب حصار در سمت شمال در امتداد خیابان چراغ برق و سپه (امام خمینی فعلی) ساخته نشد. ضلع جنوب را هم اجباراً در زیر محله ی چاله میدان و محل سکونت مردم احداث کردند در نتیجه مقداری زمین بایر داخل حصار افتاد. داخل حصار به چهار محله تقسیم شد: چاله میدان، بازار، عودلاجان، سنگلج.

وقتی حصار ساخته شد خواهر شاه طهماسب چند بنای عمومی مانند مدرسه، حمام و تکیه در بخش مسکونی تهران یعنی محله چاله میدان و ابتدای عودلاجان ساخت که به مدرسه خانم و حمام خانم و تکیه خانم معروف بودند و نام برخی از آن‌ها هنوز پا بر جاست.

در زمان نادرشاه پس از آن‌که به اریکه ی قدرت نشست از علمای یهودی خواست تا زبور حضرت داود را به فارسی ترجمه کنند این کار در تهران انجام شد و سبب تاسیس جامعه ی یهودی شد در سال ۱۱۵۸ ق/ ۱۷۴۵ م در آن زمان به بعد محله ی یهودی‌ها در بیرون از محدوده ی شهری ایجاد شد و یهودی‌ها در منتهی‌الیه شمال شرقی محله ی عودلاجان مسکن گزیدند. آقا محمدخان تهران را پایتخت قرار داد و مردم نقاط مختلف را به اقامت و کسب و کار در این شهر تشویق می‌کرد. پس از او فتحعلی شاه به مدت سی و هشت سال در تهران سلطنت کرد و در زمان او تهران شکل پایتختی به خود گرفت. جنگ روسیه و ایران سبب شد که فتحعلی شاه به فکر تغییر پایتخت نیافتد و در نتیجه بزرگان قوم در تهران خانه و عمارت ساختند و در بیرون شهر باغ و مزرعه احداث کردند وقتی فتحعلی شاه درگذشت نوه اش محمدشاه به سلطنت رسید و تهران به پایتختی تثبیت شد. ولی در عصر او هم کار مهمی جز ساختن دروازه ی محمدیه در جنوب حصار تهران (میدان اعدام) در شهر انجام نگرفت.

عصر گسترش تهران با سلطنت ناصرالدین شاه ۱۲۶۴ ق آغاز شد در این دوره زمین‌های سنگلج به باغ و عمارت تبدیل شد. جمعیت شهر که در زمان آقا محمدخان ۱۵ هزار نفر بود، به ۱۴۰ هزار نفر رسید و این نخستین انفجار جمعیت در تهران بود که باعث شد تا حصار شاه طهماسبی را ویران کنند و حصار تازه‌ای در فاصله ی دورتر در غرب و جنوب و شرق و شمال بسازند [۱۱]. بر اثر این تغییرات محله ی دولت در شمال شهر ایجاد شد. محل دروازه‌های شمیران، دولت، قزوین، مشهد و شاهزاده عبدالعظیم به محله‌های تازه‌ای انتقال یافت و شهر مجموعاً دارای دوازده دروازه شد.

تهران تا اواخر دوره ی رضاشاه تقریباً به همین شکل و اندازه باقی ماند جز این که حصارها، برج ها و دروازه ها کم کم از بین رفت. در دوره ی محمدرضا شاه از شمال به حد خیابان تخت جمشید (طالقانی) گسترش یافت و ناگهان گسترش آن در چهار جهت شدت گرفت و تا دهه ی ۱۳۵۰ تهران و شمیران به هم پیوستن و تهران کنونی شکل گرفت که به صورت یکی از معضلات عمده ی شهرسازی جهان درآمده است [۱۱].

۳- شناخت محله های تاریخی تهران

به گفته فاطمه کاتب در کتاب معماری خانه های ایرانی؛ در دوران حکومت ناصرالدین شاه، پس از آن که تهران پایتخت شد، شمار ساختمان های مذهبی، مدرسه ها، مساجد و تکیه ها همراه با استحکامات شهر فزونی یافت. رفته رفته بسیاری از باغات کوچک و بزرگ مورد توجه ساکنان و مسافران قرار گرفت و شهر را تا بیرون از دیوارها، در چند محله، مانند محله ی سنگلج و عودلاجان گسترش داد.

تهران به چهار محله اصلی تقسیم شده بود، که عبارتند از عودلاجان، سنگلج، چاله میدان و بازار. که هر یک از آن ها تعدادی از نواحی کوچک را در بر می گرفتند و هر خیابان بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ خانه داشت. ساختار رسمی شهرهای سنتی ایرانی مانند یزد یا اصفهان، شامل سلسه خیابان های کوچکی بود که به چندین کوچه و در نهایت به بازار ختم می شد، اما تهران بر خلاف چنین سبک سنتی، تنها یک خیابان داشت که پیرامون آن، خانه های محله ها ساخته شده بودند؛ مانند چاله میدان و محله بازار که از طریق یک میدان به بازار متصل می شدند.

بخشی از بناهای ارزشمند مسکونی در دوره ی قاجار تهران در محله هایی چون عودلاجان، سنگلج، ارگ، بازار، چاله میدان بنا شده بودند.

۳- ۱ عودلاجان (اودلاجان)

محله عودلان که از دوره ی صفویه حد و مرز آن مشهود شد، به مرور زمان به لحاظ جغرافیایی توسعه پیدا کرد و محله و محله های متعدد در درون آن پدید آمد، به گونه ای که محدوده امروزی آن، متناسب با نقشه ی عبدالغفار نجم الملک (۱۳۰۹ق) و نقشه جدید تهران بدین شرح است:

از شمال خیابان امیرکبیر (چراغ گاز یا برق).

از شرق خیابان ری.

از جنوب خیابان پانزده خرداد (ابوذر جمهوری) و محله چاله میدان و بازار و محله بازار.

از غرب خیابان ناصر خسرو (ناصریه)، خندق سابق محله ارگ [۲].

امروزه محله ی عودلاجان تحت فشارهای شدیدی است که معمولاً در شهرهایی که محله های تاریخی را در دل خود جای داده اند، رواج دارد. مهاجرت خانواده ها به بخش های جدید شهر این خانه های ارزشمند را تبدیل به خانه های متروکی کرده است که چندین بار تقسیم شده اند و برای مقاصد غیر مسکونی به کار رفته اند؛ رشد بازرگانی کاربردهای کوتاه مدت؛ گذرگاه های جدید و طرح های تعریض خیابان ها؛ همه ی این عوامل موجب نابودی ویژگی تاریخی این ساختمان ها و تکرار این فرآیند برگشت ناپذیر شده است.

سلسله مراتب در بافت سنتی شهری هنگامی ایجاد می شود که یک اختلاف محیطی به طور خود به خود بین دو فضا وجود داشته باشد. نمونه ای از این گونه سلسله مراتب ها را به خوبی می توان در محله ی عودلاجان در جنوب تهران مشاهده کرد. در این محله، عمومی ترین ناحیه ی بازار به خصوصی ترین محل در قلب یک خانه متصل شده است؛ البته از طریق یک سلسله فضاهای سازمان یافته.

۳-۲ دارالخلافه (ارگ)

عودلاجان چسبیده به ارگ است. ارگ منحصرأ اختصاص به کاخ ها و ساختمان های ویژه دولتی داشت. این منطقه را شاه طهماسب در ۱۰۷۳ق/۱۶۶۳م به ارگ اختصاص داد و در اواسط سده ی دوازدهم، کریمخان ساختمان های اصلی ارگ را بنیان نهاد. کاخ های ارگ الگویی برای سبک خانه های طبقه ی متوسط بوده اند. میدان ارگ مدت ها محل نگهداری توپ مشهوری به نام «توپ مروارید» بود و بدان سبب آن را میدان توپخانه نامیدند. در ناحیه شمال غربی، کاخ های سلطنتی و مجموعه ی حکومتی ارگ قرار داشت که درون خود نیز دیوارهای حفاظتی داشت. این دیوارها به سمت شمال تا دیوارهای شهر ادامه می یافت. در جنوب و شرق مجموعه ارگ، مناطق خدماتی اصلی شهر واقع شده بودند که شماری از بناهای مذهبی، بازار و مغازه ها در آن قرار داشتند. عمارت شمس العماره در جنوب غربی ارگ در زمان ناصرالدین شاه به دست دوست علی خان نظام الدوله (معیرالممالک) بنا شد. برای ساخت این بنا از روش ها و مصالح سنتی مانند آجر، تیر چوبی، گچ و کاشی کاری استفاده شده است. این ساختمان نمونه کامل سبک ایرانی است [۸].

۳-۳ سنگلج، چاله میدان، بازار

بناهای ارزشمند مسکونی در دوره ی قاجار در محله هایی چون عودلاجان، سنگلج و ارگ بنا شده بودند. سنگلج جزو پنج ناحیه ای می شد که تهران را به پنج قسمت تقسیم می کرد. مناطق مسکونی شامل محله های عودلاجان و چاله میدان، تمامی قسمت های شرقی شهر را اشغال می کرد. جنوب ناحیه ی تجاری بود که بازار در آن قرار داشت و به محله ی بازار مشهور بود. تمامی ناحیه غربی شهر به محله ی سنگلج شناخته می شد که بخشی از آن بایر و بخشی دیگر باغ بود. دو محله ی چاله میدان و سنگلج در ابتدای دهه ی ۱۲۶۰ق/۱۸۴۰م دارای باغات بزرگ و فضاهای خالی از سکنه بودند. در سال ۱۲۹۹ش/۱۹۲۰م نخستین بار شهرداری به مفهوم امروزی شکل گرفت و خدماتی در راستای رفاه از جمله برق، آب لوله کشی، آسفالت خیابان ها را فراهم آورد. دوران حکومت ناصرالدین شاه پس از آن که تهران پایتخت شد، تعداد ساختمان های مذهبی، مدرسه ها، مساجد و تکیه ها افزایش یافت و رفته رفته بسیاری از باغات کوچک و بزرگ مورد توجه ساکنان و مسافران قرار گرفت و شهر تا بیرون از دیوارها در چند محله، مانند سنگلج و عودلاجان گسترش یافت [۵]. ابتدای دوره ی پهلوی قسمت های سنتی شهر به بهای توسعه ی شهر، تخریب شدند و توسعه ی شهری و تجدید بنای ساختمان ها، پاکسازی و بازسازی مناطق فقیر نشین در قسمت های مرکز و شمال غربی شهر از جمله سنگلج شروع شد [۸].

۴- بررسی یک خانه و عناصر پیرامونی در محله عودلاجان

خانه هایی که در عودلاجان واقع اند برای اعضای بر جسته ی دربار قاجار ساخته شده بودند و در زمره ی نمونه های خانه های سنتی در ایران به شمار می روند و نمونه ای از کاخ های کوچک، بر اساس الگوی ایرانی و همچنین نمونه های جدید که کاملاً سبک غربی را در بر می گیرند.

در اینجا به دو نمونه از این خانه ها که سبک سنتی ایرانی و سبک غربی را دارند می پردازیم. اکثر این خانه ها در عودلاجان و حدود ۱۶۰ سال پیش بین سال های ۱۲۳۵-۱۲۹۷ق/۱۸۲۰-۱۸۸۰م ساخته شده اند. بی تردید هیچ یک از خانه ها، همه ی عناصر معماری آن زمان را در خود ندارند، اما به هر حال، هر یک سهمی در تکمیل مجموعه ی اطلاعاتی دارند که برای نمایاندن نکاتی برای تکمیل این خانه ها لازم اند. نمونه های انتخاب شده، نیمه ویران اند و به دلیل خرابی و تغییرات، فقط نقشه های محدودی از آن ها در دست است [۳].

نمونه موردی: خانه ۱ (نمونه سنتی)

موقعیت: مرکز عودلاجان.

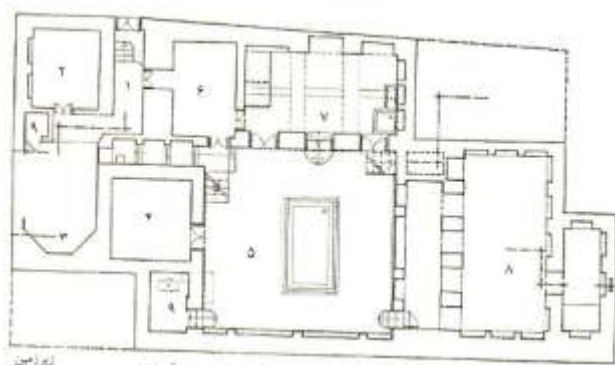
قدمت: اواخر دوره قاجار، حدود ۱۲۳۵ق/۱۸۲۰م.

اندازه: ۳۵۰ مترمربع + زیرزمین.

طرح: فشرده با یک حیاط اصلی و در حیاط کوچک قابل پوشش؛ یکی در اندرونی (بانوان) و دیگری در بیرونی (آقایان). دارای یک طبقه ی اصلی و یک زیرزمین و دو ورودی؛ یکی برای آقایان و دیگری برای بانوان. ویژگی های طرح: دو ورودی دارد: یکی برای مردان در گوشه ی جنوب غربی و دیگری برای بانوان در شمال غربی. ورودی مردان در داخل هشتی کوچک قرار دارد که دارای دو پلکان است: یکی رو به بالا (به طرف اقامتگاه مردان) و دیگری رو به پایین به سمت آشپزخانه، حمام، آب انبار و توالی. پلکان رو به بالا به اقامتگاه آقایان و حیاط مردانه منتهی می-شود. یک وجه اتاق رو به حیاط، به اتاق نشیمن راه دارد و پنج پله پایین تر (حدود یک متر) به حیاط اصلی (اندرونی) می رسد. ورودی بانوان مستقیماً به حیاط کوچکی راه دارد که به اتاق نشیمن (سه دری) منتهی می شود. ایوان با پنج پله به حیاط وارد می شود و چند پله پایین تر اتاق تابستانی زیر اتاق پذیرایی قرار گرفته است. حیاط دارای حوضی در وسط است که با کاشی کاری و سنگ های تراشیده به خوبی تزیین شده است.

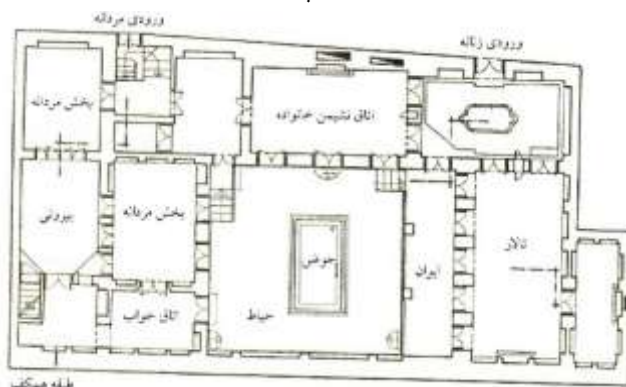
تزیینات: بیش تر تزیینات بر روی درها و دیوارهای رو به حیاط انجام شده است. حیاط های کوچک با کاشی های نقاشی شده تزیین شده اند. بخاری های دیواری با گچ کاری و نقاشی در همه ی اتاق ها و به ویژه در نشیمن دیده می شوند. دیوارهای رو به حیاط آجر کاری و تالار (پنج دری) با آئینه کاری و گچ کاری وسیع مزین شده است. این تزیینات از ازاره تا سقف ادامه دارد و خود سقف را در بر می گیرد [۳].

نتیجه گیری که می توان از این خانه کرد؛ در مجموع، داشتن ورودی های جداگانه برای آقایان و خانم ها این طرح را نسبتاً در ردیف طرح های غیر معمول قرار داده است. این خانه به روشنی بیانگر نگرش فرهنگی- مذهبی ساکنان آن درباره ی جداسازی از منظر جنسیت است و نشان می دهد که چگونه چنین باوری مستقیماً در شکل ساختمان تاثیر می گذارد و به نحوی در طراحی سنتی جای می گیرد که با دیگر نیازها نیز به خوبی هماهنگ شود.



عکس شماره (۴. ۱)- طرح خانه ۱. ۱- ورودی (دالان) ۲- آشپزخانه (مردانه) ۳- حیاط بیرونی ۴- مخزن آب ۵- حیاط اندرونی ۶- سرد خانه کوچک ۷- آشپزخانه (زنانه)- آشپزخانه اصلی ۹- توالی

مآخذ: کاتب، ۱۳۸۴



عکس شماره (۴. ۲)- طرح خانه ۱.

مآخذ: کاتب، ۱۳۸۴

۵- بافت های کهن و تاریخی

جهت تعیین پهنه های فرسوده بافت کهن و تاریخی، سه عامل قدمت، مصالح و کیفیت مورد توجه قرار گرفته و از این میان بناهایی که دارای مصالح آجر و خشت و چوب بوده، عمری بالای ۳۰ سال و کیفیت تخریبی دارند، به عنوان بناهای کاملاً فرسوده در نظر گرفته شده اند [۷].

هویت شهری به معنای مجموعه صفات و خصوصیات است که شهرها را از یکدیگر متمایز کرده و شباهت آنها را با خودشان آشکار می سازد. هویت شهری چیزی جدا از محیط شهر و ساکنان آن نیست این صفات محیطی در طول زمان و به تدریج در ذهن و روح ساکنان به صورت یک تصویر ذهنی روشن و صریح از حس مکان شکل گرفته اند و یادآور اتفاقات و گذشته شهر بوده سبب شاخص شدن و افزایش خوانایی آن می شود [۶]. بافت های شهری- تاریخی (مراکز تاریخی) شهرهای قدیمی در طول زمان به تدریج مجموعه ای از واحدهای معماری- شهری مختلف را دارا می گردد و این واحدها، محیطی را پدید می آورند که نمایانگر روابط متقابل ساکنان در فعالیتهای گوناگون آنان طی نسل های متفاوت خواهد بود و این مراکز مسکونی (بناها و بافت های تاریخی) هیچگاه شکل ثابتی نداشته و برحسب تغییر زمان، تغییر شکل و فرم پذیرفته اند. با پیشرفت روزافزون جامعه صنعتی، اتکا به منطق و تکنولوژی رواج بیشتری یافته و در پی خود تحولاتی را در مدت زمانی نسبتاً کوتاه در فعالیتهای انسان به وجود آورده است و به دنبال آن نیازهای جدیدی برای انسان های این جامعه رخ می نماید که کالبد قدیم قادر به پاسخگویی به این نیازهای جدید نمی باشد. لذا به دلیل دگرگونی و تغییر در نیازهای افراد و ساکنین بافت قدیمی و بروز نیازهای جدید که نشأت گرفته از شرایط جدید شهرنشینی و زندگی مدرن است، بناهای تاریخی که برای عملکردهای معین در زمانی که از آن فاصله گرفته ایم بنا شده اند، دیگر قادر به جوابگویی به نیازهای یاد شده نبوده و بنابراین رفتارهایی که در ارتباط با بناها و بافت های تاریخی صورت می گیرد موجب متروک شدن، تخریب و در نتیجه از بین رفتن تدریجی و به فراموشی سپردن می انجامد. این موضوع به دلیل شایع بودن و نیز ادامه مداخلات تخریبی در بافت های تاریخی شهرها موضوعی است که حداقل از دو جنبه دارای اهمیت است: یکم، گذشتن از مرز بی تفاوتی نسبت به آنچه در بافت های تاریخی حادث می شود. دوم، ظهور اندیشه ای تازه که سوای محتوای شکلی- کالبدی اش، در جستجوی راهی جدید برای بحرانی است که زاده گذشت زمان در بی تفاوتی است. از لحظه ای که کار مرمت بر روی میز طراح قرار می گیرد، چالش نحوه مواجهه با موضوع در راه نیل به هدفی که نتیجه اش خیرخواهانه بوده و به دنبال پاسخی خلاقانه و علمی برای باز زنده سازی بافت تاریخی است، آغاز می گردد. در جستجوی راهی برای پاسخ به این مهم، به پشتوانه و همفکری اساتید گرانقدر راهی اندیشیده شده که بنیان فکری بس عمیق تر در گذشته داشته و به زبان امروزی تر مطرح می گردند و آن نقش مرمت و باز زنده سازی بناهای تاریخی در بازآفرینی بافت های شهری تاریخی می باشد. و اینجاست که زنده کردن و ایجاد فعالیت جدید در کالبد قدیم مطرح می شود و دارای ضوابط و مقرراتی است که حاکی از مشروط بودن مداخله در کالبد قدیم می باشد. با بازگرداندن شرایط زندگی معاصر به بافت تاریخی به نوعی موضوع حفاظت و توسعه شهری در قالب بازآفرینی محلات تاریخی و طراحی برای مرمت و باز زنده سازی و پویایی مجموعه بناها و حفاظت آثار با ارزش بافت کالبدی و بوجود آوردن حداکثر پیوند با شبکه های تاسیساتی و تجهیزاتی اطراف محدوده بخش قدیم و تغییر کاربری های موجود در جهت تقویت موضع اقتصادی و تقلیل عوامل فرساینده بافت کالبدی، عامل اصلی و محرک توسعه در جهت نیل به بازآفرینی بافت های شهری تاریخی می باشد تا در کل پیوندی بین محیط انسانی و کالبدی به وجود آید. در این زمینه تنها در حوزه تجربه های آکادمیک در درس دانشگاهی است که می توان این ایده های پیشتان را به گفتمان گذارد و این فرصتی است که این تجربه را خواهد آزمود. در مبحث ارزیابی به سراغ مبانی نظری رفته و پاره ای از قوانین، منشورها، کنوانسیون ها و نظریه های مرتبط با موضوع را جهت تدوین چهارچوب نظری ارائه می نماییم و در این میان نگاهی به تجارب داخلی و خارجی داشته که هر یک با شیوه ای مخصوص به خود با موضوع برخورد نموده تا نحوه های پاسخگویی به موضوع مورد نظر و تاثیرات آن را بیابیم. در مبحث

بازشناخت پس از بررسی ویژگی های عمومی و کالبدی شهرهای تاریخی ایران در جهت تعمیم موضوع به بررسی و بازشناخت شهر در زمینه های جغرافیایی- اقلیمی، تاریخی- فرهنگی- اجتماعی و جمعیتی و سپس به بررسی بافت تاریخی و سیر تحول آن در مقاطع زمانی معین با ارائه نقشه ها و تصاویر به منظور تجزیه و تحلیل وضعیت قدیم و فعلی از لحاظ ویژگی های کالبدی و کاربردی پرداخته ایم. در مبحث آخر پس از بازشناخت نمونه موردی در قالب شاخه های آمیختگی معماری، طرح مرمت معماری را با نگاهی به وضعیت میان شالوده های شهری به عنوان تاسیسات و تجهیزات شهری و (شبکه های خدماتی- فنی- رفاهی) که در عمل هادی تحرک فضایی و سلطه فزاینده ساکنان بر منطقه وابسته به شهر آنان است به تدبیر برده و ارائه کرده ایم [۱۰].

تغییراتی که برای به بار نشستن آینده پایدار ضروری است، همواره قید و بند فرهنگ اجتماعی هر جامعه می باشد و لازمه آن تغییر و بازبینی الگوها و ارزش های اجتماعی ناهمسان و نیز احیاء باورها، سنت ها و الگوهایی است که ریشه در فرهنگ تاریخی یک جامعه داشته و موافق و منطبق با تفکر پایداری می باشد. اقتصاد دانان نقش نظام های اجتماعی را در نیل به فرایند پایدار رشد اجتماعی به کمک دو اصل: سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی توضیح می دهند. بافت های تاریخی و فضاهای شهری موجود در آنها، اساساً برای کاربرد انسان ها و زندگی آنها ساخته شده اند. هر چند در روزگار معاصر و تحت تاثیر جریان مدرن تغییرات زیادی در آنها اتفاق افتاده است. یکی از مهمترین بخش هایی که نیاز به بازاندیشی دارند، بافت های تاریخی و استفاده آنها در زمان های مختلف می باشند [۱۲].

در این راستا می توان با تاکید بر بعد اجتماعی به عنوان یکی از مولفه های اساسی توسعه پایدار که از اهداف اصلی آن حفظ سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی، توجه به نیازهای متنوع و متعدد ساکنین در حال و آینده، فراهم آوردن شرایط زندگی سالم، ایجاد عدالت اجتماعی و تعهد و احساس مسئولیت در افراد می باشد را به عنوان راه حلی در برخورد با این بافت ها مطرح نمود، چرا که اگر مردم محیطی را متعلق به خود بدانند، در نگهداری آن کوشا تر خواهند بود.

۶- عناصر کالبدی

محله هایی در تهران بودند که فقط از یک خیابان به خیابان دیگر منتهی می شدند و برخی حتی خط سیر مستقیمی تا منطقه ی بازار نداشتند. در نتیجه ی این وضع، در درون شهر شمار زیادی باغ احداث شد و شهر، با کوچه های پیچ در پیچ و باغات زیبا، هویت تازه ای یافت. برجستگان ویلاهای خود را در چنین محله هایی می ساختند تا از آب قنات اصلی بهره مند شوند. نواحی قدیمی تر در اطراف بازار رشد کردند و به مناطق طبقه ی متوسط تبدیل شدند. این مناطق ابتدا بسیار پراکنده بودند، ولی با سرعت زیادی رشد کردند. این محله های متمرکز شده را زمین های باغات که در بیرون از دروازه ی شهر قرار داشتند، محصور می کردند؛ مانند باغات بیرون از دروازه دولا و دروازه شمیران. ماهیت توسعه ی شهرها در نیمه ی نخست سده ی چهارم به گونه ای بود که دیگر امکان ظهور اجتماعات و محله هایی مانند محله های شهرهای سنتی تر وجود نداشت [۹].

بافت کهن تهران دارای ترکیبی درون گرا و نیمه بسته بود. واحد های مسکونی در چنین بافتی نیز درون گرا بودند. هر واحد مسکونی دارای یک یا چند فضای باز مرکزی بود که نور، منظر و تهویه ی اتاق ها و سایر فضاهای سرپوشیده و بسته در خانه از طریق حیاط تامین می شد. غالباً این گونه خانه ها پنجره ای به سوی فضای بیرون از خانه نداشتند. معابر بافت های درون گرا نیز عموماً دارای بافتی ارگانیک و غیر مستقیم بودند. در این حالت کمتر اتفاق می افتاد که لبه هایی از خانه هایی که در کنار معبر قرار می گرفتند، از ویژگی های کالبدی یکسانی برخوردار باشند. زیرا در حالتی که نمای بیرونی خانه ها از لحاظ طراحی مورد توجه نبود، هماهنگ سازی ویژگی های آنها ضرورت نداشت. البته فضای ورودی، تنها سطحی از نمای بیرونی واحدهای مسکونی بود که غالباً طراحی و تزئین می شد. هم چنین باید توجه داشت که سطح طراحی شده ی فضای ورودی واحدهای

مسکونی فاقد ویژگی ها و عواملی بود که بتواند نمای عمومی گذرگاه ها یا لبه‌ی بیرونی واحدهای مسکونی را به شکلی مملوس نسبت به یکدیگر سامان دهد. از دیگر نکات مهم در زمینه ویژگی های کالبدی و کارکردی واحدهای مسکونی در بافت های تاریخی، و از جمله در بافت تاریخی و کهن شهرها، جدایی و تمایز آن‌ها از واحدهای تجاری بود، به این ترتیب که به جز مواردی معدود مانند بازارچه و نظایر آن واحدهای مسکونی در گذرگاه هایی قرار داشت که فضای تجاری در آن‌ها استقرار نمی یافت، به عبارت دیگر، محله های مسکونی از نواحی تجاری یعنی بازار متمایز بود. در راسته هایی نیز که دارای واحدهایی تجاری در مقیاس شهری یا ناحیه ای بودند، ورودی واحدهای مسکونی کمتر به چشم می خورد، مگر در بازارچه ها که از لحاظ سلسله مراتب شهری، دارای مقیاسی محله ای یا کوچکتر بودند. به تدریج و در پی تحولات اجتماعی در دوره ی قاجار و کاربرد برخی تجربیات و تکنولوژی کشورهای دیگر و تقلید آن‌ها در بسیاری از موارد، از جمله در معماری و شهرسازی و همچنین دگرگون شدن برخی از پدیده های اجتماعی شهری، احداث خیابان های مستقیم در شهرها رایج شد. خیابان های باب همایون و ناصریه از نخستین خیابان هایی بودند که به شکلی مستقیم طراحی و ساخته شدند [۴].

کم شدن احتمال خطر حمله ی ناگهانی نیروهای مهاجم به درون شهرها موجب شد که نظام سنتی شبکه بندی گذرگاه های شهری، به تدریج دگرگون شود و هم‌زمان با آن، اهمیت یافتن دسترسی آسان و سریع و در پی آن توجه به دسترسی سواره به واحدهای معماری و شهری موجب دگرگونی بافت شهری شد. این موضوع افزون بر دگرگونی در نحوه ی نورگیری واحدهای مسکونی، موجب شد که شکل قطعات زمین واحدهای مسکونی به مستطیل تبدیل شود، مستطیلی که ضلع کوچکتر آن در لبه ی خیابان یا گذرگاه قرار داشت. این شکل موجب دگرگون شدن بافت خانه شد، به این ترتیب که حیاط مرکزی و فضای ساخته شده ی واقع در سه یا چهار طرف آن، به نوعی حیاط میانی تبدیل شد که تنها در دو سوی آن فضای ساخته شده وجود داشت. البته در مواردی نیز حیاطی جانبی پدید آمد که تنها در یک سوی آن یک فضای ساخته شده قرار گرفت. دگرگونی های کارکردی و کالبدی به تدریج منجر به پیدایش نوعی بافت معماری متشکل از دو کاربری تجاری و مسکونی (یا تجاری اداری) در دو سوی خیابان‌ها شد. این بافت در سال های نخست شکل گیری غالباً در طبقه بود. واحدهای تجاری در طبقه ی همکف خیابان قرار داشت و عموماً از تعدادی دکان تشکیل می شد که در خیابان های اصلی و مهم، همه یا بیشتر فضای واقع در طول بافت را به خود اختصاص می داد، در حالی که در خیابان های فرعی، بخش هایی از سطح همکف نیز به فضاهای مسکونی اختصاص می یافت. اهمیت کارکردی، کالبدی خیابان های اصلی و نیز وضعیت اقتصادی آن‌ها موجب شد که گونه ای از ساختمان های دو طبقه با وضعی کما بیش مشابه در امتداد این خیابان ها و بدون توجه به چگونگی استقرار و نورگیری آن‌ها پدید آید [۴].

طراحی و احداث خیابان های مستقیم، دگرگونی هایی در ساختار و بافت واحدهای مسکونی ایجاد می کند که نخستین تحول، برای تقسیم بندی هندسی قطعات زمین است. در بافت های کهن و قدیمی، بسیاری از قطعات زمین به پیروی از شکل شبکه ی گذرگاه ها، که دارای شکلی غیر هندسی می باشند به ایجاد گذرگاه ها و خیابان های مستقیم، به ویژه هنگامی که قطعات زمین بین دو گذرگاه مستقیم و موازی قرار می گرفتند، منتج می شد. پیدایش قطعاتی با شکل هندسی منظم منجر به این موضوع، توجه به کالبد بنا را حائز اهمیت می کرد و ویژگی مثبت بنا تلقی می شد.

۷- عناصر کالبدی شهر و روند تغییر آن از دوره قاجار تا پهلوی

در دوره قاجار، وضعیت شهر تهران شرایط مطلوبی در زمینه ی فضاهای عمومی نداشت مثل کوچه های تنگ و پر پیچ و خم و باریک خیابان های بی تناسب- معابر کج و معوج بازارچه های تنگ و گشاد و بی نقشه- بد منظر و کثیف در آغاز روی کار آمدن رضا شاه فعالیت های جدیدی در رابطه با شهرسازی شهر های ایران صورت گرفت. این فعالیت ها از سال ۱۳۱۰ شروع و تا سال ۱۳۲۰ ادامه یافت. این تغییرات شامل عریض کردن راه های باریک و قدیمی، الگوی شبکه مشبک (شطرنجی) و همچنین تعمیر محلات قدیمی، ساخت میادین و ایجاد ساختمان های جدید می شد [۵].

به گفته پیرنیا، معماری دوره ی اولیه ی قاجار، با وجود افزایش تاثیر گذاری غربی، توانایی هم جنس سازی سبک های دیگر را، بدون از دست دادن هویت خویش، حفظ کرده است. خانه هایی که در روزگار قاجار ساخته شدند، به ویژه در تهران، نمونه های عالی از اوج سبک اصفهانی- ایرانی در معماری به شمار می روند. برخی از این ها آمیزه ای از عقاید جدید غربی و ارزش های سنتی ایرانی اند که در طول تاریخ رشد کردند و خانه ای را متناسب با زمان خویش و بی نهایت حساس نسبت به فرهنگ خویش تولید کردند.

نتیجه گیری که می توان از بررسی و شناخت خانه ها و عناصر پیرامونی در محله ها و کالبد بنا و همچنین نمونه های ذکر شده گرفت، خانه ها ورودی های جداگانه برای آقایان و خانم ها و همچنین فضاهای داخلی خانه هم جداگانه بوده. و بناهایی در آن زمان دارای پنجره رو به بیرون، و بازتابی از یک زندگی متفاوت را نشان می داد. در خانه های سنتی به این صورت بوده که خانه پیرامون حیاط قرار می گرفته و پشت به معبر ساخته می شد.

۸- نتیجه گیری

انقلاب صنعتی تاثیر زیادی بر همه ی کشورهای رو به رشد گذاشت که بیشترین این تاثیر روی ایران بود. تخریب تدریجی بسیاری از آثار تاریخی و جایگزینی ناهمگون به جای آن ها بود. میراث فرهنگی ایران فرسوده بود و شهرها بیشتر بر اساس الگوهای اروپای غربی پیش رفت، راه ها و خیابان های تازه بدون توجه به سنت ها در شهر احداث شد. آمد و شد اتومبیل ها نیازمند تامین شرایط ویژه ای بود که باعث تکه تکه شدن بافت اجتماعی و فیزیکی شهر شد. این روند رشد بی رویه شهرها در ده های گذشته باعث شده است که هسته ها و گاه ها مکان های اولیه شهر ها با تغییرات کالبدی بسیاری دچار شدند که این روند باعث از بین رفتن محله های قدیمی و حتی تغییراتی در الگوهای معماری شهری شده که حتی اندکی با اقلیم و نوع فرهنگ زندگی مردم شهرها هماهنگی و قرابتی ندارد. از طرف دیگر، فراموشی میراث کهن معماری باعث نابودی بعدی عظیم تری نیز گردیده است که آن فرهنگ زندگی و احترام به حقوق شهروندی است. از این رو با روند صنعتی شدن معماری، طرح ها و نقشه های جدیدی در کالبد شهر هایی به شکل کاملاً ارگانیک طراحی، ساخته و اجرا شده بودند، قرار گرفتند که فضایی نا مانوس را در کالبد های شهرها به نحوی غلط و با تاثیر از الگوهای غربی شکل داده اند. حال با توجه به این موضوعات باید به سراغ باز آفرینی معماری قدیمی که تمامی موارد از جمله اقلیم و نور و کالبد در آن به درستی رعایت می- شد، برویم و از آن استفاده کنیم تا بتوانیم مانند گذشته که معماری ایرانی زبان زد و شهره عام و خاص بود را بیدار کنیم و فرهنگ معماری ایرانمان را که سرشار از حس امنیت است، زنده نگه داریم.

مراجع

- [۱] اعتماد السلطنه، ع. مجله ساختمان و معماری شماره ۲۵. ۱۳۶۳
- [۲] تکمیل همایون ، ف. سومین کنفرانس بین المللی ، معماری ایرانی ۱۳۹۳
- [۳] پیرنیا، م. ک. سبک شناسی معماری ایرانی. ، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- [۴] سلطان زاده، ع. مجله نظام مهندسی استان تهران شماره ۱۲، ۱۳۷۵
- [۵] شهری، م. کنفرانس ملی مهماری. کالبد معماری همراه با طراحی شهری. ۱۳۷۱
- [۶] صبحی، ف. نظام ساخت و ساز با تکیه بر فن آوری های بومی و زیستی ۱۳۸۱
- [۷] عبدالمالکی، ع. ارزیابی میزان کارآیی کالبد معماری با خانه های تاریخی در دوره های مختلف تاریخی ۱۳۹۲
- [۸] کاتب ، ف. معماری خانه های ایرانی، سازمان چاپ و انتشارات. ۱۳۸۸
- [۹] کریمیان، ا. مجله هنر و معماری، انتشارات دانشگاهی. برنامه ریزی شهری در باز آفرینی معماری. ۱۳۷۳
- [۱۰] کیانپور، ع. تاثیر مهماری بر بافت شهری، چهارمین کنفرانس ملی شهری. ۱۳۹۳
- [۱۱] معتمدی، ر. مجله ساختمان و معماری، شماره ۴۰. ۱۳۷۷
- [۱۲] مومنیان، آ. کنفرانس ملی شهر پایدار، آسیب شناسی وضع موجود بافت تاریخی شهر تهران ۱۳۹۲